



دیدگاه

شماره: ۷۷۲	موضوع: لزوم تعدیل در واحدهای صنعتی
تاریخ: ۹۵/۰۷/۰۵	

توضیح اجمالی:

تعدیل در فعالیتهای صنعتی در طول مراحل توسعه امری طبیعی است، چراکه برخی از صنایع کاربر در مراحل اولیه توسعه ایجاد شده و گسترش می‌یابند تا از مزیت نیروی کار ارزان جهت تولید و صادرات بهره‌گیری کنند. طی مراحل بعدی توسعه، بهره‌وری نیروی کار و دستمزدها افزایش می‌یابند و کشور وارد مرحله پیچیده‌تری از تولید و صدور کالاهای صنعتی می‌گردد. متحول شدن ساختار صنایع به مفهوم آن است که تولیدات صنعتی اولیه دیگر از مزیت رقابتی چندانی برخوردار نیستند و اغلب آن‌ها با کاهش یا حتی تعطیلی فعالیت تولیدی روبه‌رو می‌شوند و این روند در مراحل بعدی توسعه صنعتی و اقتصادی ادامه خواهد یافت.

اما تعطیلی واحدهای تولیدی به معنای بیکار شدن شاغلان در صنایع مذکور می‌باشد. از اینرو، احتمال می‌رود دولت‌ها تلاش کنند تا با تزریق منابع مالی و یا حمایت‌های تجاری در جهت حمایت از آنها اقدام کنند. چنین اقداماتی در بلندمدت محکوم به شکست است، زیرا منابع مالی دولت‌ها محدود است و نمی‌توانند از تمامی این واحدها حمایت کنند. حمایت‌های تجاری نیز به دلایلی از قبیل عضویت در موافقتنامه‌های تجاری نظیر WTO و قاچاق کالا امکان تداوم و اثربخشی پیدا نمی‌کنند. از اینرو، منابع صرف شده عملاً هدر می‌رود و کمکی به تولید و اشتغال پایدار نمی‌کند. اگر همین منابع صرف حمایت از ایجاد واحدهای صنعتی متناسب با مراحل جدید توسعه می‌شد، نه تنها تولید و صادرات افزایش می‌یافت، بلکه با جذب نیروهای اخراجی از صنایع قدیمی و غیرکارآمد به صنایع جدید، از افزایش بیکاری نیز جلوگیری می‌شد.

این امر در کشورهای دیگر نیز مسبوق به سابقه است. در اتحادیه اروپا صندوقی تحت عنوان صندوق تعدیل جهانی‌شدن اروپا برای ارایه آموزش‌های جدید و کمک به یافتن شغل برای افراد بیکار شده و حمایت از کارآفرینی ایجاد شده است.

نکات کلیدی:

۱- مزیت نسبی و رقابتی پدیده‌هایی پویا هستند و در طول زمان تحول پیدا می‌کنند.

۲- تعدیل برخی واحدهای تولیدی و ورود واحدهای جدید به دلیل تحولات فوق، در شرایط عادی امری طبیعی است و ساختار صنایع کشور نیز باید متناسب با تحولات مذکور تغییر پیدا کند.

۳- اصرار بر حمایت از تولیداتی که مزیت آن‌ها منسوخ شده است در بلندمدت کمکی به توسعه تولید و اشتغال نمی‌کند. منابع صرف شده در این زمینه عملاً هدر می‌رود زیرا صرف تولید کالاهایی گرانتر و یا بی کیفیت‌تر و در یک کلام، غیررقابتی شده است که تولید آن‌ها در بلندمدت متوقف خواهد شد.

۴- لازم است سیاست‌های اعتباری و تجاری به عوض هدفگیری این قبیل بخش‌های صنعتی، این منابع و سیاست‌ها را در جهت حمایت از اصلاح ساختارهای موجود و یا شکل‌گیری واحدهای جدید، تشویق تحقیق و توسعه و تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی در واحدهای موجود، حمایت از طرح‌های کارآفرینی، ارایه آموزش‌های جدید به نیروهای بیکار شده، اطلاع‌رسانی در خصوص فرصت‌های شغلی موجود و کمک به آنها در کارایی در واحدهای جدید هدایت نماید.



دیدگاه

۵- وجود بحران های مشابه در دهه های قبل و به ویژه در سال ۱۳۸۸ حاکی از آن است که مشکل واحدهای صنعتی فراتر از رکود اقتصادی و تحریم است و تزریق پول به صورت غیرهدفمند نتوانسته است مشکل این واحدها را به طور ریشه ای رفع نماید و بیشتر به صورت یک مسکن عمل کرده است.

۶- کمیته های بحران در وزارتخانه متبوع باید در شناسایی و تخصیص تسهیلات و پیشنهاد اعمال حمایت های تجاری از واحدهای صنعتی، در کنار مولفه هایی نظیر اشتغال زایی و ارتباطات پسین و پیشین، به مزیت نسبی و رقابتی بالقوه و بالفعل آنها نیز توجه لازم را داشته باشد. در این ارتباط نقش کلینیک های صنعتی بسیار بارز خواهد بود. حتی می توان ارایه این حمایت ها را منوط به پذیرش و اعمال اصلاحات پیشنهادی کلینیک های مزبور نمود.

۷- اطلاع رسانی وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص سیاست های تجاری و صنعتی کشور و شرایط رقابتی واحدهای موجود به سرمایه گذارانی که خواستار مجوز تاسیس واحدهای جدید هستند نیز می تواند نقش قابل ملاحظه ای در جلوگیری از تاسیس واحدهای غیررقابتی جدید و هدایت آنها به سمت بخش های رقابت پذیر ایفا نماید.